



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۸۹/۰۵

پاچا-کلیفورنیا-امریکا

خریدن پاسپورت طلایی در ممالک بیگانه!!!

به اساس مثل مشهور خاین خایف است، در این روزها در مطبوعات افغانستان و جهان شایع است که رئیس بیسواد ولسی جرگه افغانستان آقای میر رحمانی پاسپورتهای طلایی را برای خانم و سه دختر خود از دولت قبرص در بدل دو نیم میلیون دالر خریداری نموده و پول انرا نقداً پرداخت نموده است. خوانندگان محترم میتوانند که راپور (Deb orah Davis) خانم دیرا دیوس

خبرنگار الجزیره مقیم لندن را ملاحظه نمایند، قابل یاد اوریست که لینک مربوطه از افغان جرمن آنلاين کاپی شده است

<https://www.facebook.com/Afghanasamai/videos/592414241639413/?t=43>

اگر بینندگان محترم متوجه شده باشند زمانیکه بعضی وکیلان وطنپرست بالای کدام موضوع جنجالی جر و بحث می کنند و کارکنان مفسد و رشوه خوار دولت و ولسی جرگه را رسوا میکنند از طرف آقای رحمانی برایش گفته می شود "اغای محترم و یا نام گرفته میگوید وکیل صاحب لطفاً میلس (مجلس) را اخلاص نکنید" اگر نماینده مکرراً انتقاد میکند رحمانی قوای امنیتی را میطلبند و نماینده را از مجلس ولسی جرگه اخراج میکنند، مقصد من از میلس و مجلس است، که آقای رحمانی به عوض اینکه مجلس تلفظ کند همیشه "میلس" میگوید، که این دلالت به بیسوادی مؤسف میکند. به همه معلوم است که رحمانی به صفت قراردادی مواد نفت برای قوای امریکا و ناتو مقیم افغانستان کار می کرد و از این لحاظ صاحب میلیونها دالر شد، که حساب آن بخودش و خدا معلوم است، نا گفته نباید گذاشت رحمانی به خاطر یک چوکی ریاست ولسی جرگه را بدست بیاورد بیش از دو نیم میلیون دالر به بعضی نمایندگان و وطنفرو ش و بی وجدان رشوه داد تا به اریکه ریاست ولسی جرگه تکیه کند.

یک قصه یادم آمد، وقتیکه من (پاچا) در سال ۲۰۱۴ به صفت ترجمان در یک شعبه قوای امریکا بنام ادغام مجدد اج رای وظیفه مینمودم به آقای رحمانی در منزل عیاشی اش که نزدیک پایگاه نظامی باگرام موقعیت داشت ملاقات نمودم. وظیفه اداره ادغام مجدد این بود که طالبان ناراضی را به پروسه صلح ببینند و از جنگ علیه دولت دست بردار شوند، به این منظوری که روز غرض مذاکرات از طرف قوای امریکایی یک قطار مسلح به طرف چاریکار مرکز ولایت پروان حرکت نمودیم در بین راه به منزل عیاشی آقای رحمانی رسیدیم که تقریباً از باگرام ده الی پانزده کیلومتر فاصله داشت آقای رحمانی را در منزل عیاشی اش ملاقات نمودیم. وقت نان چاشت بود و در ضمن صرف طعام مذاکرات سیاسی آغاز شد، ترجمان افغان که در این لحظه نامش بیادم نیست مذاکرات را در بین آقای رحمانی و جگرن امریکایی ترجمه میکرد در حین مذاکرات آقای رحمانی از قوماندان الماس که عضو جمعیت اسلامی ربانی است به جگرن امریکایی شکایات و نیز به غیبت و هجو حاجی الماس پرداخت، مثلاً گفت که آقای حاجی الماس شخص قابل اعتماد نیست و در قاچاق و آدم ربای دست دارد و غیره و غیره. قابل یاد اوریست که حاجی الماس و رحمانی هر دویشان عضویت حزب فاشستی جمعیت اسلامی به رهبری برهان الدین (بحران الدین) ربانی را دارا هستند.

اکنون یک مثل یادم آمد: میگوید دو تا سگ در راه روان بودند، یک سگ کدام استخوان را یافت و به جویدن آن شروع کرد، سگ رفیقش گفت او برادر استخوان خوردن به معده تان ضرر خواهد رساند، سگ که استخوان را میجوید برایش گفت " این سگگیریت کم بود که اکنون مشوره داکتری میدهی."

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

مقصد از این مثال اینست که خاین به خاین دیگر خاین خطاب میکند اگر واقعیت گفته شود هر دوی آنها یعنی حاجی الماس و رحمانی خیانتکار و جنایتکار استند یعنی سگ زرد برادر شغال- و یابه استناد مثل دیگر "غلیبل به کوزه گ فت که در گور سراخه‌ایت" -

باید گفته شود که عساکر امریکایی به دو تیم تقسیم شده بود یکی آن که به موضوعات سیاسی و عملیات جنگی سر کار داشت و تیم دیگر که من ترجمان ان بودم به موضوعات ادغام مجدد طالبان نا راضی که قبلاً تذکر رفت مؤ ظف بودم- دفتر مرکزی ادغام مجدد در چاریکار بود فلیه‌ذا در ترجمه و غیره به آقای رحمانی من هیچ رول نداشت م تیم ما یعنی ادغام مجدد صرف به حیث یک شنونده در بحث شرکت داشت و بس-

یک حماقت دیگر آقای رحمانی این بود وقتیکه من هم‌رایش داخل صحبت شدم به من گفت که از مشرقی (ننگرهار) استی چرا که لهجه ات به پشتو زبانها میمانه، این گفتار کردکی و عامیانه آقای رحمانی بود که در مقابل من وانمود کرد، لذا به من معلوم شد که آقای رحمانی در مقابل اقوام پشتون یک شخص (شخص باید گفته نشود) بلکه یک ادم بی نهایت معتصب است-

اگر به واقعیت بنگریم افغانها در طول جنگهای خانمان سوز از تقریباً چهل سال به این طرف در ممالک همجوار و جهان اواره شده اند که همه آنها لسانهای اجانب را اموخته اند- اگر برادران تاجک در پاکستان پناهنده شده اند لسان اردو، اگر در هندوستان پناهنده شده اند لسان اردو/هندی و اگر در ایران پناهنده شده اند به لسان آنها مثل بلبل صح بت میکند و به گفتن آن نیز افتخار و مباحات میکنند، ولی از گفتن لسان پشتو که در به دیوار با پشتونها زندگی میکنند نفرت دارند، به این میگویند تعصب و نفرت - مردم پشتون در مقابل لسان دری هیچ نوع تعصب ندارد حتی این گ ذشت را دارند که به صحبت و گفتار برادران دری یا فارسی زبانان به نهایت مهر و محبت داخل مذاکره شوند، ولی این تاجکان و یا فارسی زبانان به اصطلاح افغانستان استند که از شنیدن و گفتن لسان پشتو نفرت ، کراهت و ت عصب دارند-

خوانندگان محترم این بود یک خاطره کوچک که بشما شریک نمودم، مشت نمونه خروار-

پاچا-کلیفورنیا-امریکا

۲۰۲۰ سوم سپتمبر